

باغبان بوستان معرفت و فضیلت

سیری در زندگی، آثار و کارنامه علمی - فرهنگی
حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی

غلامرضا گلی زواره

حلقه وصل به اصل

در صحاری و بیابان‌های غفلت و جهالت انسان‌های فداکار، خوش فکر و متعهدی بوده‌اند که به سان چشمه‌ساران زلال و جوشان از فرازهای باشکوه، صخره‌های نستوه و ستیغ‌های استقامت جاری گشته‌اند، و جویبارهای با طراوتی را به سوی دشت‌های تشنه جاری ساخته‌اند، و موجبات شکوفایی اندیشه‌ها و صفای بوستان معرفت و فضیلت را فراهم ساخته‌اند و بر غنای فرهنگی جامعه افزوده‌اند.

این گوهرهای گرانمایه ضمن نشر و گسترش فرهنگ دینی و بومی و صیانت از میراث معنوی، هنری و علمی، ارتباط نسل کنونی را با معارف پیشین و مشاهیر سترگ ادوار تاریخی برقرار ساخته، و کاروانی از جستجوگران مرواریدهای معانی را از مایه‌های اصیل و اصالت‌های ژرف برخوردار ساخته‌اند.

آنان به معرفی و نشر آثار دانشورانی پرداختند که با تلاشی وافر و وصف‌ناپذیر و به کار بردن تمام ظرفیت‌های علمی و فکری، و حتی فدا نمودن موقعیت اجتماعی و سیاسی خویش، فرهنگ فرزاندگی و معارف کمال‌آفرین را بارور نمودند.

همانگونه که کوشش برای آشنا نمودن علاقه‌مندان با این معادن حکمت و معرفت همواره حرکتی انسان‌ساز و مکتب‌آموز و عزت‌آفرین است. معرفتی افرادی که حلقه وصل بین این ریشه‌ها و شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌ها هستند خدمتی ضروری و قابل ارج می‌باشد.

ابراز حق‌شناسی و تکریم چنین عزیزانی خود نشانه‌ای از نجابت و بزرگی است، اظهار قدردانی و حرمت نهادن در حق ناموران و صاحبان فضل و هنر جامعه به هیچ عنوان جنبه فردی و شخصی ندارد، و سرمایه‌های فکری را از محو گردیدن حفظ می‌کند، به علاوه سبب تشویق و ترغیب و پرورش حس غرور و قوه اراده نسل جدید می‌گردد.

در تعالیم اسلام و سیره و سخن معصومین به این واقعیت توجه ویژه‌ای گردیده است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «اکثر الناس قيمة اکثرهم علماً»^۱؛ ارزش آن فردی (نسبت به دیگران) افزون‌تر است که علم بیشتری دارد.

از نظر علمی نیز رسول اکرم (ص) و ائمه هدی به اهل دانش و معرفت احترام می‌گذاشتند، چنانکه حضرت صادق آل محمد هشام بن حکم را با وجود جوانی، تکریم می‌نمود و حتی او را بر دیگر شاگردان سالخورده خویش مقدم می‌داشت. و خاطر نشان می‌ساخت. دلیل این ارج‌گذاری، دانش اوست و نیز نفعی که از این راه به جامعه می‌رساند. حضرت امام رضا (ع) نیز عمران صابی و احمد بزنطی را که از عالمان آن روزگار بودند اکرام بسیاری می‌نمود.

البته نیک‌مردان روزگار نیازی به معرفتی از طریق همایش‌ها و جشنواره‌ها و یادنامه‌ها ندارند، بلکه آحاد جامعه برای یادآوری درخشنده‌گی‌ها و پرتوافشانی‌ها و ترغیب به سوی نیکی و کرامت انسانی محتاج چنین پاسداشتهایی هستند و می‌باشند. به علاوه زندگی خصوصی اهل فن و دانش و آشنایی با تجارب، خلاقیت‌ها و توانایی‌های آنان خود پی‌بردن به شیوه‌های علمی و فکری می‌باشد. شرح حال این عزیزان، سند هویت و مهمترین پشتوانه فرهنگی و بیانگر رمز و راز ایثار آنان در روزهای سخت و طاقت‌گداز و دربردارنده جوهر لیاقت ایشان است. وقتی میراث ادب و فرهنگ جهان اسلام و ایران بیانگر هویت و مظهر تجلی تربیت و رشد خصلت‌های

۱. سفینه البحار، محدث قمی، ج سوم، مدخل علم.

انسانی در میان جوامع اسلامی می‌باشد، تجربه‌ها، دریافت‌ها، دستاوردهای عقلی و علمی و هنری انسان‌هایی که این گنجینه‌ها را حراست نموده‌اند، خود سرمایه‌ای ارزشمند به شمار می‌روند. همانان که عناصر فرهنگی را پرورش داده، مردم را به سوی محصولات فکری، خرده‌های بلند پایه و مبانی صحیح روایی، شرعی، عقلی و نقلی سوق داده، و دستمایه‌های مطلوب و مقبول را برای در پیش گرفتن یک زندگی ارزیابی شده و شایسته ارزیابی دوباره، ارائه نموده‌اند. اینکه سرمایه‌های معنوی و جلوه‌های ذوقی و فکری دانشوران و هنرمندان در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد، در واقع نتیجه کوشش‌ها، کوشش‌ها و تکاپوهای فرهنگی و جستجوی مداوم و بی‌امان چنین فرهیختگانی می‌باشد.

با توجه به این ضرورت‌ها نگارنده در نوشتار حاضر، زندگی و کارنامه علمی و مجاهدت‌های فرهنگی حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی را از نظر خوانندگان گذرانیده‌ام.

نیاکان نامور

بر اساس روایتی کهن اجداد این خاندان در رکاب حضرت امام حسین (ع) در کربلا بوده‌اند که بعدها بر اختناق عباسیان از سرزمین عراق به مازندران ایران آمده‌اند، این طایفه چند نسل پی در پی پُست محافظت از بارگاه قدس رضوی را عهده‌دار بوده‌اند، شاخه‌ای از سادات مرعشی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز کارنامه درخشانی از خود بروز دادند. و ضمن اینکه عده‌ای از آنان در مازندران به حکمرانی مشغول گردیدند، گروهی از روحانیان سلسله مذکور در دستگاه سلجوقیان و صفویه منشأ خدماتی مهم گردیدند.^(۱)

سادات مرعشی از جمله سادات صحیح النسب ایران و عراق می‌باشند، آنان حسینی‌اند و نسبشان به حضرت امام سجّاد (ع) می‌رسد. جدّ اعلای این بزرگان شخصی است به نام سید علی مرعشی که در شهر مرعش زندگی می‌کرد، این دیار در حدود مرزهای سوریه و ترکیه قرار داشت، ولی اکنون جزء توابع کشور اسلامی ترکیه است.

در حدود قرن سوم قمری وی مسافرتی به اصفهان، فارس و مازندران نمود و در

۱. ویژه‌نامه هفتمین سالگرد ارتحال آیت‌الله مرعشی نجفی، خرداد ۱۳۷۶، ص ۹.

مناطق شمالی ایران اقامت گزید و تشکیل خانواده داد، هسته مرکزی مرعشی‌های ایران طبرستان آن روزگار بود که گرایش مردمان این سامان به تشیع مرهون زحمت و فداکاری‌های مرعشی‌های مازندران است.^(۱)

سید قوام‌الدین فرزند عبدالله و از نوادگان سید علی حسینی مرعشی است که از علمای قرن هشتم قمری می‌باشد، ولی علوم اسلامی را در شهر آمل فراگرفت و در مشهد رضوی به کسب معارف عرفانی ادامه داد، بعد از آن به طبرستان آمد و به ارشاد و هدایت افراد مستعد پرداخت. او و پیروانش به مساوات اسلامی، عدالت اجتماعی، حمایت از محرومان، و امر به معروف و نهی از منکر اعتقادی راستین داشته، و در این راستا می‌کوشیدند. سید قوام‌الدین اگر چه غالباً به تزکیه درون و عرفان علمی و نظری مشغول بود؛ اما تعالیم مذکور را از تلاش‌های سیاسی جدا نمی‌دانست، و به حامیان و شاگردان خود تأکید می‌کرد در قلع و قمع دشمنان دیانت و فضیلت بکوشند، و موانع آشفستگی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی را که آرامش و امنیت مردمان متدین را مخدوش سازد، بر طرف نمایند.

سید قوام‌الدین نمی‌توانست قدرت‌طلبی و ستمگری برخی حکام محلی را بپذیرد. و چون همراه حالات معنوی و عرفانی، صادقانه برای برقراری قسط در جامعه تلاش می‌کرد و با فسق و فجور مبارزه می‌نمود، پایگاه پرنفوذی در میان اهالی طبرستان به دست آورد و عده زیادی از مردم پروانه‌وار برگرد شمع وجودش اجتماع کردند که این وضع هراس حاکمان منطقه را برانگیخت، اما او برای نبرد با تیرگی‌ها و ناروایی‌ها مصمم گردید و در نیمه قرن هشتم قمری قیام کرد. و بعد از سرکوبی جفاکاران و اهل ستم، دولت سادات مرعشی را به وجود آورد که تا اواخر این قرن توسط او، فرزندان و حامیانش استمرار داشت و سرانجام با یورش امیر تیمور گورکانی منقرض گردید.^(۲)

۱. مجله کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، مهر ۱۳۸۲، ص ۷.

۲. درباره این خیزش و خروش مرعشیان بنگرید به کتاب: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران به قلم سید ظهیرالدین مرعشی؛ تاریخ گیلان و دیلمستان به همین قلم؛ قیام شیعی سربداران، یعقوب آژند، فصل چهارم؛ اختران جاوید و مشاهیر آمل، محمد رضا مداحی آملی، ج اول، ص ۱۵۸ - ۱۶۲.

میر سید علی شرف‌الدین حسینی مرعشی نجفی ملقب به سید الحکما جد سید محمود مرعشی است که در نجف، تهران و اصفهان به تحصیل معقول و منقول پرداخت. او به همان مقدار که به فراگیری دانش‌های دینی روی آورد، به طب علاقه‌مند گردید، به همین دلیل در اصفهان نزد میرزا حسن شیروانی به تحصیل این رشته پرداخت، آنگاه در خدمت حمزه میرزا در مشهد مقدس تکمیل این علوم را پی گرفت. و پس از کسب مهارت‌های لازم، به درمان بیماران پرداخت. و در این باره ابتکارات جالبی از خود بروز داد، در ضمن تحصیل علوم غریبه را از نظر دور نداشت. سید الحکما این معارف تجربی و حسی را تا حکمت و منطق ارتقا داد، و با عرفان و کمالات ذوقی گره زد. و در واقع علم ابدان را با دانش روح و روان متحد ساخت. و پس از تبخّر در این عرصه، این واقعیت برایش مسلم گردید که ضرورت دارد برخی بیماری‌های جسمی را از طریق حالات روحی افراد درمان نمود، و در واقع کوشید طیب جسم و جان افراد باشد.^(۱)

سید شرف‌الدین علی که متولد سال ۱۲۰۲ ق در کربلا بود، در سال ۱۳۱۶ ق بعد از ۱۱۴ سال عمر با برکت، به سرای باقی شتافت، وی سفرهای زیادی به هندوستان و مصر داشت. و در قاهره با شیخ محمد عبده (شاگرد سید جمال‌الدین اسدآبادی) مانوس گردید. قانون العلاج، زاد المسافرین، حاشیه بر قانون ابن سینا، شرح نفیسی و شرح رسایل شیخ مرتضی انصاری از مهمترین تألیفات وی می‌باشد.^(۲)

پدر بزرگ سید محمود، آیت‌الله سید شمس‌الدین مرعشی نجفی (۱۳۳۸ - ۱۲۷۹ ق) بعد از اخذ درجه اجتهاد در نجف اشرف، به سیر و سیاحت در مناطق جهان اسلام پرداخت. و با رجال علم و معرفت ملاقات‌هایی داشت و از چهره‌های آشنا در دانش و سیاست بود، او در مکتب آخوند خراسانی پرورش یافت و با شهید آیت‌الله مدرّس ارتباطی-تنگ‌تنگ داشت.^(۳)

۱. کیهان فرهنگی، همان مأخذ، ص ۲۵؛ مجله جهان پزشکی، ش ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۳۳۸.

۲. ویژه‌نامه هفتمین سالگرد ارتحال آیت‌الله مرعشی نجفی، خرداد ۱۳۷۶، ص ۵۴.

۳. مرزبان حماسه‌ها، محمد باقر بدوی، ص ۳۱ - ۳۳.

والدین

والد ماجد ایشان آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس الدین محمود حسینی مرعشی، بیستم صفر سال ۱۳۱۵ ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود. آموزش های نخستین را نزد پدر و نیز جدّه خویش بانو بی بی شمس شرف بیگم طباطبایی آغاز کرد، و سپس در حوزه های درس اساتید بسیاری شرکت جست.

وی علوم اسلامی را از مقدمات تا سطوح عالی و دروس خارج را از محضر بزرگانی چون شیخ مرتضی طالقانی، میرزا ابوالحسن مشکینی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید علی طباطبایی یزدی، سید جعفر بحر العلوم، دکتر عندلیب زاده، احمد منجم، سید محمد کاظم عصار، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ احمد کاشف الغطا، شیخ عبدالنبی نوری، علی اکبر مدرس یزدی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبه الدین شهرستانی و بسیاری از علمای دیگر آموخت. او موفق به دریافت متجاوز از ۴۵۰ اجازه روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات شفاهی از مشایخ دیگر گردید که شرح آنها در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است. او در ۱۳۴۲ ق از نجف به ایران آمد و بعد از سفر به مشهد، تهران و شهرری، به قم مسافرت کرد. و به درخواست آیت الله حائری در این شهر اقامت گزید، و ضمن تدریس و تربیت طلاب به تحکیم پایه های حوزه نوپای قم پرداخت.

بعد از رحلت آیت الله بروجردی، آیت الله مرعشی جزء مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیّت شیعیان مطرح گردید. مهمترین تلاش فرهنگی آیت الله مرعشی کتابخانه ای بزرگ و بی نظیر در قم می باشد، ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم، تعمیر و بازسازی بسیاری از مساجد و حسینیه ها در ایران و جهان اسلام، ساخت و تعمیر بیمارستان، درمانگاه، آسایشگاه، مرکز توان بخشی و بهزیستی در قم، از دیگر کوشش های این مرجع عالیقدر است.

حدود یکصد و پنجاه اثر، تألیفات این شخصیت بلند پایه جهان تشیع را تشکیل می دهند که در کتاب «کتابشناسی توصیفی حضرت آیت الله مرعشی نجفی» معرفی گردیده اند. ایشان بعد از عمری تحصیل، تدریس، فعالیت های سیاسی و اجتماعی

و بر جای نهادن کارنامه‌ای درخشان و پربار از خود در عرصه‌های علمی، تبلیغی و ارشادی در هفتم صفر سال ۱۴۱۱ ق / هفتم شهریور ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی بعد از اقامه نماز جماعت در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه به دیدار حق شتافت.^(۱)

آیت‌الله مرعشی نخست با یکی از دختر عموهای خود به نام گوهرتاج ملقب به فخرالسادات فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین سید ابراهیم مرعشی در هشتم جمادی الأول سال ۱۳۴۵ ازدواج کرد، حاصل این پیوند که تداوم نیافت دختری بیش نبود. همسر دوم ایشان که والده دکتر سید محمود مرعشی می‌باشد، دختر مرحوم آیت‌الله حاج سید عباس فقیه مبرقی رضوی قمی (متوفی ۱۳۳۵ ق) از علمای بزرگ قم است، نسب سید محمود از این طریق به سید جلیل القدر علامه سید رشیدالاسلام رضوی قمی تولیت آستانه حضرت فاطمه معصومه (س) می‌رسد. ایشان از نوادگان حضرت امامزاده موسی مبرق فرزند جواد الأئمه می‌باشد که در عصر صفوی می‌زیسته است.

دایی دکتر مرعشی مرحوم آیت‌الله حاج سید مرتضی فقیه مبرقی، معروف به حاج داداش (۱۴۱۴ - ۱۳۲۰ ق) از علما و فضلاء حوزه قم و اصحاب خاص آیت‌الله بروجردی است. ایشان از یاران بسیار قدیمی و دوست مانوس امام خمینی به شمار می‌رفت، و امام مراتب فضل و دانش وی را مورد تأیید و احترام قرار می‌داد. سید محمود از طریق مادر با جمعی از بیوتات و علمای بزرگ قم خویشاوند گردید که عبارتند از: آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، حاج شیخ عباس قمی، آیت‌الله حاج سید محمود روحانی قمی، آیت‌الله حاج میرزا محمد تقی اشراقی و نیز آیت‌الله حاج سید حسین کوچه‌حرمی (متوفی ۱۳۵۷ ق).^(۲)

ولادت و ایام کودکی

بیست و سه روز از دومین ماه بهار سال ۱۳۲۰ ش سپری می‌گردید، ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۱ ق که با این ماه قرین گردیده بود از نیمه گذشته و بامداد شانزدهمین روز

۱. شرح حال مفصل ایشان در کتاب شهاب شریعت به قلم علی رفیعی علامروشدنی آمده است.

۲. شهاب شریعت، ص ۲۰۹ - ۳۰۲.

آن آغاز می‌گشت، گل‌ها و گیاهان به شکوفایی نشسته و رایحهٔ دلاویز آنها از باغ‌ها و بوستان‌ها عبور کرده، و در کوی و برزن مشام مردم را عطر آگین می‌ساخت. اهل خانهٔ آیت‌الله مرعشی نیز در انتظار نهالی ناب لحظه‌شماری می‌کنند، پدر و مادر در چنین روزی و در همان هنگامی که خورشید آرام آرام سر از افق برآورد و با اشعه‌های طلایی خویش پشت‌بام‌های کاهگلی و آجری قم را جلوه‌ای دیگر می‌داد، ناظر تولد اولین فرزند خود گردیدند که جبین درخشان او از آینده‌ای نویدبخش خبر می‌داد.^(۱)

اطرافیان و بستگان در موجی از شادی قرار گرفتند و کودک را بر دستان پر مهر خویش غرق بوسه و نوازش‌های عاطفی نمودند، و پدر و مادر را از این بابت تبریک و تهنیت گفتند، برای این نهال نورسته دعا کردند، پدر به یاد بود والد خویش سید محمود و به امید آن که کارنامهٔ این طفل مورد پسند جامعهٔ اسلامی قرار گیرد، وی را محمود نامید.

اگر چه سید محمود در همان سنین اولیّهٔ صباوت همچون کودکان هم سال خویش بازی می‌کرد، و به جست و خیز می‌پرداخت، می‌گفت و می‌خندید، و با رفتارهای شیرین خود بر گرمی خانواده می‌افزود، و با دست نوازش پر مهر و محبت والدین برای تلاش پیگیر قامت می‌کشید و رشد می‌کرد، اما روحیهٔ پرسش‌گری، کنجکاوی و تکاپوهای ویژه‌اش وی را از هم بازی‌هایش تفکیک می‌نمود. این ویژگی‌ها گاهی چنان در وی اوج می‌گرفت، که برخی اطرافیان از او به عنوان کودکی ناآرام تعبیر می‌کردند!

در خانوادهٔ سید شهاب‌الدین جوانه‌های ایمان و باورهای اصیل دل و ذهن سید محمود را سرشار از آرامش می‌ساخت. دل پاک و جان تشنه‌اش هر روز با آیات قرآن و آوازهای آهنگین و روح‌نواز پدر، نیایش‌های خالصانهٔ آن مرجع بیدار و ذکر و صلوات‌های او جلا می‌یافت. رفته رفته او خود نیز سرود سبز زندگی را با خواندن سوره‌هایی از قرآن مجید ترنم و تهجی می‌کرد. بدون شک مادرش سهم ارزشمندی در پرورش‌های معنوی و تکوین شخصیت سید محمود داشت، چرا که او نخستین

۱. نگهبان میراث شهاب، نشریهٔ میراث شهاب، سال پنجم، ش ۱۵، ص ۳.

نغمه‌های زندگی را از همه بیشتر و توأم با عطوفت و محبت وافر از مادرش شنید، حدیث رشد و رویش و شکوفایی را نیز از پرتو زمزمه‌های روح‌نواز والده‌اش آموخت.

دوران نوجوانی و جوانی

سید محمود همان‌گونه که خود گفته است از کودکی در دامان والد ماجدش بالیده و شاهد زندگی بسیار ساده، ولی سراسر افتخار آن فقیه فرزانه بوده است.^(۱) بنابراین تربیت وی در سنین کودکی و نوجوانی در بیت فقاہت و مرجعیت صورت گرفت. و در ضمن آن که جرعه‌های فضیلت کام روح و روانش را سیراب می‌ساخت، به فراگیری مقدمات و زبان و ادبیات فارسی و عربی روی آورد. در سنین شش یا هفت سالگی به مدرسه باقریه رفت که بعداً مرحوم آیت‌الله بروجردی آن را خرید و همراه با دو خانه دیگر، مسجد اعظم را بر زمین آنها ساخت، دکتر مرعشی طی خاطراتی از تحصیل در این مکان آموزشی چنین یاد می‌کند:

مدیر این مدرسه، مرحوم حجة الاسلام حاج سید رضا مبرقعی، خیلی متعهد بود و هر روز ما باید در مدرسه نماز جماعت می‌خواندیم، بنده هم امام جماعت آن بودم. لباس ما قبای بلندی بود که یقه کوچکی داشت، یک عرقچین هم به سر می‌گذاشتم. به همین خاطر به من آشوخ می‌گفتند (بقیه شاگردان کت و شلواری بودند)، آن زمان همه شاگردان می‌بایست در حضور مدیر وضو می‌گرفتند و مدیر مدرسه به هر کس که وضویش خوب نبود می‌گفت: بایست کنار شیخ تا وضویتان را درست کند. من در مدرسه جزء شاگردان زرنگ بودم، بخصوص در درس‌های هنر و نیز تاریخ و جغرافیا.^(۲)

ایشان قبل از دبستان مذکور به مکتب نرفته، و بعد از خاتمه این مقطع به دبیرستانی رفت که در محله عشقعلی قم بود. مدیر دبیرستان آقای اوحدی که جذبه

۱. از پیشگفتار دکتر سید محمود مرعشی بر کتاب شهاب شریعت، ص ۱۹.

۲. کیهان فرهنگی، مهر ۱۳۸۲، ش ۲۰۴، ص ۹.

شگفتی داشت، به دلیل مقام آیت‌الله مرعشی مراعات فرزندش را می‌نمود، و به طور جدی پیگیر امور تحصیلی و تربیتی او بود. سید محمود مقطع متوسطه را تا سیکل اول ادامه داد، البته در ایام تحصیلات جدید از فراگیری علوم حوزوی غفلت نداشت، و شب‌ها محضر پدر جامع المقدمات می‌آموخت. ناگفته نماند که ایشان در زمانی که به دبیرستان می‌رفت تا دانش‌های متداول را یاد بگیرد، لباس روحانیت بر تن داشت و با عمامه وارد مدرسه می‌گردید، چرا که در سال ۱۳۳۴ ش در یک جلسه رسمی و با حضور علما، آیت‌الله مرعشی نجفی مراسم عمامه‌گذاری برای این فرزند ارشد خود را برگزار کرد.^(۱)

تحصیلات حوزوی

سید محمود که قرائت قرآن و خواندن و نوشتن را در خانه آموخته، و برخی مقدمات را فرا گرفته، و دوره‌های دبستان و دبیرستان را با موفقیت پشت سر نهاده بود، بنا به تربیت خانوادگی و تشویق والد و علاقه شخصی قدم به میدان تحصیلات علوم دینی نهاد.

دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجسته‌ای، چون مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله سید مهدی لاجوردی، مرحوم آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، مرحوم آیت‌الله محمد صادق نصیری سرابی، مرحوم آیت‌الله محمد تقی ستوده و مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد ورامینی آموخت، ایشان در مصاحبه با مجله کیهان فرهنگی یادآور گردیده است:

صرف میرا نزد آیت‌الله فاضل خواندم، سیوطی را از آقای تجلیل فرا گرفتم، نزد آقای لاجوردی صمدیه را خواندم، شرح لمعه را نزد مرحوم ستوده آموختم. و بعد رسایل و مکاسب و بخشی از کفایة الاصول را نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد مجاهدی تبریزی که بهترین کفایه گوی قم بود، خواندم.^(۲)

از آن پس در درس خارج فقه و اصول پدرگرامی شرکت کرد که تا پایان عمر آن

۱. همان، ص ۹.

۲. همان، ص ۹ - ۱۰.

فقیه فرزانه ادامه یافت، متذکر می‌گردد ابوی ایشان بعد از ظهرها در منزل درس اصول فقه می‌گفت که سید محمود در آن حضوری فعال داشت.

در کنار تحصیلات علوم دینی سید محمود به دلیل علاقه وافر که به علم رجال، انساب، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی داشت، همواره به مطالعه کتب و رسایل قدما و متأخران در این رشته‌ها می‌پرداخت. و در این عرصه‌ها از تجربه‌ها و توانایی‌های علمی و فکری والد خود استفاده می‌برد. حاصل این تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر اطلاعات وسیع و گسترده و چیرگی در بسیاری از رشته‌های مذکور است.^(۱)

حجّة الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی با تبخّری که در علوم حوزوی به دست آورد، موفق به اخذ اجازه اجتهاد و روایت از آیات عظام مرحوم شیخ عبدالنبی اراکی، مرحوم محمد تقی بهجت، مرحوم فاضل لنکرانی، مرحوم محمد علی اراکی، ناصر مکارم شیرازی، سید علی سیستانی، مرحوم علیاری تبریزی، مرحوم حاج سید محمد شیرازی، شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب الذریعه، آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی، شیخ احمد بن محمد زبارة (مفتی بزرگ زیدیه در صنعای یمن)، شیخ محمد غزالی مصری (متفکر بزرگ جهان اسلام و مؤلف حدود پانصد جلد کتاب) دریافت نمود، اما مفصلترین اجازه روایی را از مرحوم والدش دریافت داشته که آخرین دست نوشته آیت الله مرعشی به شمار می‌رود.

دانش اندوزی در دانشگاه

در سال ۱۳۴۵ ش مدرسه‌ای عالی در مدرسه سپهسالار سابق و شهید مطهری فعلی به نام وعظ و تبلیغ در تهران دایر شد. و هر کس اجازه‌ای از علما داشت می‌توانست در آن به تحصیل پردازد، سید محمود که اجازات روایی و اجتهادی متعددی از علما دریافت کرده بود، آنها را به مسؤول مدرسه مزبور ارائه داد و ایشان پذیرفت که وی هفته‌ای یک روز آنجا برود، کسی که سه سال در آنجا دوره می‌دید می‌توانست در سال اول دانشکده معقول و منقول بدون آزمون سراسری پذیرفته شود، همچنین کسی که در مدرسه وعظ و تبلیغ درس می‌خواند می‌توانست در

۱. نشریه میراث شهاب، سال پنجم، ش ۱۵، ص ۳؛ کیهان فرهنگی، همان، ص ۶.

مدرسه سپهسالار تهران به عنوان مدرّس مشغول فعالیت علمی و آموزشی گردد. و البته این تشکیلات، یعنی مدرسه و عظم و تبلیغ هم آنجا استقرار داشت. در واقع مدرسه مزبور دانشکده‌ای بود زیر نظر مدرسه عالی سپهسالار، ایشان بعد از طی دوره مذکور وارد دانشکده معقول و منقول گشت و با استفاده از محضر استادانی چون فروزانفر، علی اکبر شهابی، محمود شهابی، دکتر ناظرزاده کرمانی، ذبیح‌الله صفا و... به اخذ درجه لیسانس نائل آمد.

در سال ۱۳۵۸ ش / ۱۹۷۹ م سید محمود به عنوان دانشجوی مکاتبه‌ای در دانشگاه شمال غرب لندن (انگلستان) پذیرفته شد. و سالی دو بار هم به آنجا می‌رفت که شش سال بعد، یعنی در سال ۱۳۶۴ / ۱۹۸۵ م از این مرکز علمی دکترای جامعه‌شناسی گرفت، موضوع پایان‌نامه ایشان شیوه نگارش در ایران در سده‌های چهارم و پنجم بود. این تربه زبان انگلیسی تنظیم گردید که دکتر مرعشی قصد دارد آن را با بازنگری، و البته به زبان فارسی به طبع بسپارد و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.^(۱)

همچنین حدود ۲۰ سال قبل از سوی آکادمی علوم کشور جمهوری آذربایجان دکترای افتخاری طی مراسم به ایشان داده شد.

آثار و تألیفات

کتاب‌هایی که ایشان به طور مستقل تألیف نموده و پدید آورده‌اند به شرح ذیل‌اند:
 ۱. شرح حال و افکار و آثار و عقاید و نظریات ابن سینا. قم: کتابفروشی و چاپخانه نوین قم، ۱۳۴۱. این اثر در شانزده فصل و ۱۳۵ صفحه وزیری تنظیم گشته است.

۲. شرح حال و آثار و آراء و عقاید و نظریات ابو حامد غزالی. قم: کتابفروشی و چاپخانه نوین قم، ۱۳۴۱، که در شش بخش تدوین گردیده است و ۹۴ صفحه دارد.
 ۳. شرح حال و آثار و آرای ابونصر فارابی که هنوز به زیور طبع آراسته نگردیده است.

۱. کیهان فرهنگی، همان، ص ۱۱ - ۱۰؛ شهاب شریعت، ص ۳۵۹؛ میراث شهاب، ش ۱۵، ص ۳.

۴. فهرست نسخه‌های خطی آثار علامه سید رکن‌الدین حیدر حسینی آملی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، که در سال ۱۳۸۱ ش توسط کتابخانه چاپ گردیده است.

۵. فهرست نسخه‌های خطی آثار علامه قاضی نورالله مرعشی شوشتری در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، مطبوع توسط کتابخانه مزبور در سال ۱۳۸۱.

۶. فهرست نسخه‌های خطی آثار علامه نظام‌الدین عبدالعلی بیرجندی، طبع گردیده در سال ۱۳۸۱ توسط کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، مجلدات ۲۸ به بعد، البته جلد‌های ۱ تا ۲۷ فهرست نیز با نظر ایشان نگاشته و چاپ شده است.

۸. کتابشناسی توصیفی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، مطبوع توسط این کتابخانه در سال ۱۳۸۲ ش.

۹. گنجینه (فهرست بخشی از نسخه‌های خطی فارسی سمرقند، بخارا و خوارزم)، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ۱۳۷۷ ش.

۱۰. المسلسلات في الاجازات (دوره دو جلدی). قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۱. نسخه‌های خطی کهن و نفیس نهج البلاغه و شروح، گزیده‌ها و ترجمه‌های آن موجود در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ شده در سال ۱۳۸۱ در همین کتابخانه.

۱۲. نوادر المخطوطات العربیة من قرن الثالث إلى السادس الهجري. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۱ ش.

۱۳. شرح حال دویست تن از دانشمندان و رجالی که به والدشان اجازه روایتی داده‌اند، این اثر هنوز به طبع نرسیده است.

کتاب‌هایی که توسط ایشان تصحیح گردیده و بعد از اصلاحات لازم و توضیحات و تهیه فهرس، به اهتمام دکتر مرعشی چاپ گردیده‌اند:

۱. احقاق الحق و ملحقات آن: این کتاب در سی و شش جلد چاپ شده که محصول سی و چند سال لجنه‌ای بود مرکب از عده‌ای اساتید، و زیر نظر آیت‌الله

مرعشی نجفی که تصحیح آن و آماده‌سازی برای طبع توسط دکتر مرعشی صورت گرفته است. اصل کتاب از قاضی نورالله شوشتری است که مجموعه‌ای دائرة المعارف گونه است و در سه جلد فراهم آمده، ولی از جلد چهارم به بعد تحقیقات آیت‌الله مرعشی می‌باشد، مجلّات بعدی این اثر که احیاناً به پنجاه جلد می‌رسد در دست آماده‌سازی و طبع می‌باشد، در ضمن زحمت تهیّه منابع و مآخذ احقاق الحق و ملحقات آن به عهده دکتر مرعشی بوده است. این منابع شامل بیش از پنج هزار عنوان کتاب از مراجع اهل سنت در فضایل و مناقب ائمه اطهار (ع) و مثالب دشمنان آنان و بعضی مسایل مهم فقهی، اصولی و آرای آنان است، اهمّیت این کار وقتی روشن می‌گردد که بدانیم بسیاری از کتاب‌ها نادر و کمیاب بوده، و یا منحصر به نسخه‌های خطی بوده‌اند.^(۱)

۲. توضیح المسائل حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

۳. درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان با همکاری علی رفیعی علامرودشتی.

۴. سبیل النجاة، از آیت‌الله مرعشی نجفی.

۵. الغایة القصوی لمن رام التمسک بالعروة الوثقی، حاشیه‌ای استدلالی بر کتاب عروة الوثقی در دو جلد از آیت‌الله مرعشی نجفی.

۶. کیهان شناخت اثر قطن مروزی از علمای قرن ششم قمری که دکتر محمود مرعشی با مقدمه‌ای در حدود هفتاد صفحه و تصحیح لازم آن را به چاپ رسانیده است.

۷. مصباح الناسکین از آیت‌الله مرعشی نجفی.

۸. مناسک حج، آیت‌الله مرعشی نجفی.

۹. منهاج المؤمنین، آیت‌الله مرعشی نجفی، تنظیم سید عادل علوی.

۱۰. نخبه المقال فی علم الرجال، چاپ قم سال ۱۳۷۷ ق.

به علاوه بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب و رساله در متجاوز از ۴۵۰ جلد، زیر نظر مستقیم و اشراف دکتر مرعشی انتشار یافته که متن بسیاری از آنها تحقیق و تصحیح گردیده است. تألیف دهها مقاله در موضوعات رجال و تراجم، نسخه‌شناسی، معرفتی میراث فرهنگی مسلمین در کشورهای اسلامی و دیگر مناطق جهان توسط

۱. شهاب شریعت، ص ۲۳۴؛ کیهان فرهنگی، ص ۱۱.

ایشان که اکثر آنها در نشریه میراث شهاب درج گردیده است. مقدمه بسیاری از کتاب‌هایی که توسط کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی به طبع رسیده، توسط این فاضل فرزانه به رشته نگارش درآمده است.

نسخه‌شناسی توانا

نسخه‌های خطی که در جهان اسلام و سرزمین ایران کم نمی‌باشد، آینه‌ای است از هویت علمی، دینی و بومی جامعه اسلامی که در بازشناسی پیشینه و کارنامه تمدنی و فرهنگی مسلمانان بسیار سودمند است. در این میان، علاوه بر گردآوری این نسخ و مصون نگه داشتن آنها از دست تطاول ایام و اتلاف زمان آنچه اهمیت دارد، شناخت فنی و تخصصی این منابع ارزشمند می‌باشد. دکتر مرعشی در این عرصه نیز توانایی و تبخّر قابل ملاحظه‌ای را از خود بروز داده است. نسخه‌های خطی علاوه بر متن کتابی که با خود دارند، حامل آگاهی‌های گسترده و گوناگون دیگری هستند که از رهگذر شناخت و پی‌بردن به راز و رمز آنها حقایق جالبی در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، هنری و اجتماعی به دست می‌آید.

تاریخ تولدها، وفات‌ها، تملک‌ها، مهرها، اجازات، بلاغ‌ها، خط‌علماء، تقریظ‌ها، ثبت حوادث و بلاهای طبیعی، وقف‌نامه‌ها، تزئینات به کار رفته در نسخه‌ها، مینیاتورها، نقاشی‌ها و آثار هنری دیگری که هنرمندان با ذوق و ماهر طی قرون متمادی بر روی نسخه‌ها از خود بر جای نهاده‌اند. فایده‌های متنوع به نظم و نثر، اسامی خوش‌نویسان، صحافان، جلدسازان و صدها نکته‌های خواندنی و مفید و کارگشای دیگر از اطلاعات جنبی ثبت شده، در آغاز و انجام و لابلاهای نسخه‌های خطی است که ایشان در بررسی آثار خطی به آنها توجه داشته. و از همین رهگذر به کشف حلقه‌های مفقود آگاهی‌های تاریخی، علمی و هنری نایل آمده است. به علاوه حجم قابل توجهی از مطالب مندرج در فهرس نسخ خطی که متأسفانه در مواردی به منابع کتابشناسی و کتب شرح حال راه یافته، متأسفانه نادرست بوده و از دقت کافی برخوردار نمی‌باشد. دکتر مرعشی در بررسی نسخه‌ها با فراست و احاطه ویژه‌ای در تشخیص نام کتاب، تاریخ رحلت و عصر مؤلف، موضوع و مباحث کتاب و ویژگی‌های

نسخه‌شناسی همچون کاتب، تاریخ کتابت و نیز خطاهای راه یافته در فهرست‌ها را مورد توجه قرار داده. و در این راستا تصحیح‌های لازم و ضروری را انجام داده، و حتی برخی نسخه‌ها را که مؤلف آن مجهول بوده و آغاز و انجامش افتاده، شناسایی کرده و از روی خط کتابت، عصر استنساخ نسخه مورد نظر را کشف کرده است.

ایشان در مصاحبه‌ای می‌گوید:

«... یک نسخه‌شناس خوب کسی است که تا کتاب را باز می‌کند، بلافاصله بفهمد که آن نسخه متعلق به چه قرنی است، برخی از فهرست‌نگاران فوری می‌نویسند: قدیم و نفیس، در حالی که از سال هزار تا سده‌های نخست قمری را شامل می‌شود. باید مشخص گردد کتاب متعلق به چه قرنی است، بحمدالله خداوند این قدرت تشخیص را به من داده است. چند روز پیش (تاریخ مصاحبه تابستان ۱۳۸۲ ش می‌باشد) مجموعه‌ای را به کتابخانه اهداء کردند، دو جلد مجمع البیان در آن بود، ورق آخر کتاب افتاده و کتاب را بین دو جلد گذاشته بودند. کسی که کتاب را آورده بود، پرسید: مربوط به چه سالی است، گفتم: نیمه نخست قرن هشتم قمری، بعد که برگ افتاده کتاب را آورد، دیدم مربوط به سال ۷۳۰ هجری است. ایشان در ادامه این گفتگو می‌گوید:

ممکن است یک کتاب‌شناس مشخص کند مقدمه و مؤخره یک کتاب خطی در اصل چه زمانی نوشته شده، و تاریخ کتابت آن مربوط به چه سالی است و یا چند سطر دارد، ولی او نمی‌تواند خط کتابت را تشخیص بدهد که از آن کیست؟ این کار تجربه و شمی خاص می‌خواهد و من به فضل خداوند کتاب را که باز می‌کنم می‌فهمم که مثلاً بحار الانوار است به خط مرحوم مجلسی یا دیگری، بحمدالله بیشتر خطوط بزرگان شیعه را می‌شناسم. این کار در خارج از کشور سیستماتیک شده، و تا حدّ دکترا هم پیش رفته است و آنجا با عنوان کدیولوژی شناخته شده است، برخی از کشورهای غربی از من می‌خواهند که بروم این رشته را تدریس کنم.^(۱)

استاد دکتر مرعشی خاطر نشان ساخته است: من از همان اوان کودکی در کنار پدرم به کتاب و مسایل آن علاقه‌مند شدم، هیچ مجموعه خطی در ایران نیست که بخواهد به فروش برسد و ۶۰٪ یا ۷۰٪ آن را به بنده نشان ندهند، حداقل آنها را می‌بینم. اگر نسخه

خوبی باشد هر طور شده نمی‌گذارم از دست برود و آن را برای کتابخانه می‌خرم، شاید تاکنون بیش از ۱۵۰۰۰۰ نسخه خطی از زیر دست من رد شده است، حالا یا آنها را نگاه کرده‌ام و یا خریده‌ام، این کار گویی با خون من عجین شده است.^(۱)

یادآور می‌گردد دکتر مرعشی در کنار تحصیلات از سنین نوجوانی و جوانی، مدت یک سال و هر هفته یک جلسه نزد حجّة الاسلام والمسلمین آقای مصباح‌زاده منجم معروف می‌رفت و تعلیم خطّ می‌گرفت، رفته رفته کتیبه‌نویسی را فراگرفت. و این آموزش‌ها زیر بنای توانایی ایشان را در شناخت خطوط و جلوه‌های هنری خطاطی به وجود آورد.^(۲)

به گفته استاد سید محمد اصفیایی که هم اکنون سرپرست گروه فهرست نگاران نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی می‌باشد، دکتر مرعشی مکتب‌های کتابشناسی، کتاب‌آرایی و نسخه‌شناسی ترکیه، سوریه، عراق، مصر، هند، آسیای میانه و نواحی مختلف ایران را شناسایی کرده است. و در حال حاضر کسی را نداریم که از نظر حجم نسخه‌شناسی و کتابشناسی با ایشان قابل مقایسه باشد.^(۳)

متولی بزرگترین کتابخانه ایران

مهمترین فعالیت و تلاش فرهنگی دکتر مرعشی، کمک شایان تحسین ایشان به والد بزرگوارش در تأسیس و گسترش و توسعه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی می‌باشد. تا آنجا که آن مرجع عالیقدر در وصیت‌نامه خویش درباره همیاری و نقش ایشان فرموده‌اند: این کتابخانه در حقیقت بنیان‌گذار آن آقای حاج سید محمود فرزندانم می‌باشد؛ زیرا ایشان بیش از بیست سال قبل با اختصاص دادن دو حجره در مدرسه مرعشیه خیابان ارم که روبروی کتابخانه فعلی قرار دارد، برای کتابخانه مدرسه، و سپس خریداری چند (قطعه) زمین و خانه قدیمی که محلّ فعلی کتابخانه را تشکیل می‌دهد. این مؤسسه عام المنفعه را به تدریج توسعه داده، تا به امروز که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های اسلامی (سومین کتابخانه جهان اسلام)

۲. همان، ص ۱۱.

۱. همان، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۵.

است. من جداً از ایشان که برای ایفا و اداره و توسعه روزافزون آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نمی‌کند و همواره تمام اوقات خود، چه روزها و چه شب‌ها و با مسافرت‌های متعدّد و تحمّل رنج و زحمت صرف در آن می‌نماید، تشکّر و قدردانی می‌کنم. و در حقیقت بایستی گفت که بانی و مؤسس اولی آن شخص ایشان است.^(۱)

دکتر سیّد محمود مرعشی در نوشتاری غیر مطبوع درباره نقش و فعالیت خویش در تأسیس و توسعه کتابخانه یادآور گردیده است: در مورد تأسیس این کتابخانه، خداگواه است که با چه مشقّت‌ها و رنج‌های فراوانی در تهیه کتاب‌های خریداری شده و ساختمان آن روبرو بوده‌ام. به طوری که مدّت زیادی ساختمان آن به طول انجامید، چون وجه قابلی در دست نداشتیم و بدون دیناری شروع به ساختمان آن نمودیم... بالاخره از پای ننشستم تا ساختمان کتابخانه به اتمام رسید و آماده بهره‌برداری گردید. همیشه والد می‌فرمودند: اگر تو همّت نمی‌کردی هرگز چنین کتابخانه‌ای با این وسعت و اهمّیت به وجود نمی‌آمد.^(۲)

امام خمینی در حکمی که در ۲۴ اسفند ۱۳۶۷ ش / ۷ شعبان ۱۴۰۹ ق صادر فرمودند خطاب به نخست وزیر وقت تأکید نمودند:

«جنابعالی موظف می‌باشید آنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد به بهترین وجه فراهم آورید، جناب حجّة الاسلام آقای حاج سیّد محمود مرعشی نجفی که خود از خبرگان و شایستگان در امر کتابشناسی و کتاب و شناخت محیطی مناسب برای حفظ کتاب است، بهترین فردی است که می‌تواند شما را در این امر یاری دهد. ان شاء الله هر چه زودتر با ساخته شدن بنایی در خور اسلام و انقلاب و حوزه علمیه قم، قدمی مفید در راه رشد تعلیم اسلامی برداشته شود...».^(۳)

دکتر مرعشی در تحمّل زحمات برای غنی‌تر نمودن منابع این کتابخانه خاطرات زیادی دارد که یکی از آنها مربوط به مسافرت ایشان به بابل مازندران برای این

۱. وصیّت‌نامه الهی اخلاقی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۲۸ - ۲۹.

۲. میراث شهاب، ش ۱۵، ص ۶. ۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۰.

منظور می‌باشد:

به آقا اطلاع داده بودند که نسخه‌های خطی فراوانی در بابل وجود دارد. زمستان سردی بود، به پدرم گفتم: آقا اگر می‌خواهید همین حالا برویم و کتاب‌ها را ببینیم گفت: زود بروید، پیش از ظهر بود که حرکت کردیم به سمت تهران. (در) جاده هراز هم خیلی برف آمده بود، با ماشین فرسوده چند بار نزدیک بود که به درّه سقوط کنیم. با مشکلات و زحمات زیادی اوایل شب به بابل رسیدیم، آنجا باران می‌بارید، شب به مسافرخانه‌ای رفتیم که دود بخاری‌اش خیلی اذیت می‌کرد، صبح صبحانه خوردیم و ساعت هشت کنار مغازه میوه فروشی رسیدیم، ایستادیم تا بالاخره (صاحبش) آمد و درب را باز کرد، تا درب را باز کرد دیدم کتاب‌های خطی مثل خرمن در آن رطوبت روی هم ریخته شده (است). از شوق متوجه صاحب مغازه نشدم و یک راست به سمت کتاب‌ها رفتم، صاحب مغازه با صدایی بلند گفت: حاج آقا! حاج آقا، به ما هم نگاه کنید، گفتم: ببخشید، حواسم پی کتاب‌ها رفت. احوال پرسى کردیم و گفتم: از قم آمده‌ایم و شما نامه نوشته بودید، بعد سه - چهار جلد از کتاب‌ها را برداشتم و دیدم عجب کتاب‌هایی است، متوجه شدم این کتاب‌ها متعلق به شریعتمدار بارفروش از علمای بابل بوده است. به هر حال با یک قیمتی توافق کردیم و آنها را خریدیم، به راننده گفتم: اول صندوق عقب خودرو را پر کنیم، بعد روی صندوق عقب را پر کردیم، باز هم یک مقدار از کتاب‌ها مانده بود به راننده گفتم بگذار خودم پشت فرمان بنشینم، خودم پشت فرمان نشستم و کتاب‌ها را روی پا تا جلو سینه راننده قرار دادم، دیگر نفسم به زحمت در می‌آمد، در برف و سرما آمدیم تا به قم رسیدیم.^(۱)

وی در جای دیگر می‌گوید:

دیدم یک آقای کتاب جفر جامع آورده است، آن شخص اهل

۱. گفتگو با حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی، مجله کیهان فرهنگی، ش

کاشان بود. به او گفتم: همین یک جلد کتاب را داری؟ گفت: نه کتاب‌های زیادی داشتیم، همه را سیل بُرده و موربانه خورده است. طویله‌ای داشتیم اوراق را آنجا ریختیم، سقفش هم کاهگل بوده سوراخ شده، و آب مقداری از این کتاب‌ها را از بین برده، اگر خواستید می‌توانید بیایید ببینید. بلافاصله یک ماشین کرایه کرده با آن شخص رهسپار کاشان شدیم، آن زمان راه کاشان - قم آسفالت نشده بود و ماشین‌ها هم مثل حالا نبود، داخلش گرد و خاک می‌آمد. واقعاً تا رسیدیم کاشان دیگر اصلاً عمامه من سفید شده بود. خوب با هم رفتیم خانه آقا، وقتی به محل رفتیم دیدیم خیلی زیاد است. بعضی از آن کتاب‌ها کامل، اما اول و آخرش افتاده و ناقص است.

چادر رختخوابی همراهمان برده بودیم و با کمک راننده همه کتاب‌ها را داخل گونی‌ها و چادر رختخواب ریختیم، شب دیر وقت رسیدیم قم، راننده آن بار را زمین گذاشت و رفت. من و آن پیرمرد (مرحوم ابوی) در میان خاک و خل نشستیم به دسته کردن آنها، چه نسخه بسیار مهم و نفیس در میان آن اوراق گردآوری شد، که الآن فهرست شده که از آن جمله مجموعه رسایلی بود از شیخ مفید مربوط به قرن ششم قمری.^(۱)

دکتر مرعشی با آن توانایی‌های ارزشمند در کتابشناسی و شناخت کتاب‌های خطی، تبخّر در علوم اسلامی و مهارت در فنون کتابداری و تجربه‌های فراوانی که در کنار پدر بزرگوارش به دست آورده، و نیز کوشش‌های پیگیر و مستمر خود در امر نسخه‌شناسی و استفاده از دانش‌های متداول و فنون جدید برای تنظیم، صیانت و مرمت این میراث گرانقدر دینی و علمی، به درستی و در سطحی عالی و تحسین برانگیز در اداره این بوستان معرفت و حکمت اسلامی و شیعی به توفیق‌های بزرگی نایل گردیده، و موفق گشته است روزبه‌روز بر غنای کمی و کیفی این مجموعه بیفزاید.^(۲)

۱. خاطرات نگهبان میراث شهاب، گنجینه شهاب، دفتر چهارم، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.

۲. مرزبان حماسه‌ها، محمد باقر بدوی، ص ۲۸.

مسافرت‌های پر بار

دکتر مرعشی از زمان تولیت و بدو تأسیس کتابخانه، تمام توان خود را برای فراهم ساختن منابع و مراجع به کار برده، و برای این منظور به داخل و خارج کشور مسافرت‌های زیادی نموده است. آشنایی با کتابخانه و مراکز فرهنگی و علمی و پژوهشی مهم جهان، و شناسایی منابع و مآخذ موجودی آنها، و نیز پی بردن به شیوه اداره این مراکز از برنامه‌های مهم و در رأس انگیزه‌های سیاحتی ایشان است. بدین منظور به کشورهای اروپایی چون ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند، دانمارک، سوئد، انگلستان، ایرلند، آسیای جنوبی، هند، پاکستان، بنگلادش، آسیای جنوب شرقی، خاورمیانه، کشورهای عربی آسیا و آفریقا، سرزمین‌های آسیای مرکزی و قفقاز، کانادا، آمریکا و مناطق دیگر مسافرت نموده است. ره‌آورد این سفرها هزاران فیلم، میکروفیلم، کتب خطی و چاپی و هزاران جلد کتاب به زبان‌های گوناگون جهان درباره اسلام بوده است، همچنین فهرست جامعی از این کتاب‌ها را به ایران انتقال داده است. در بازدید از کتابخانه‌های مهم، اطلاعات ارزنده‌ای درباره کتب خطی و گنجینه‌های اسلامی به دست آورده است. تنها در یکی از این سفرها، تعداد سیزده جلد کتاب خطی و چاپی نفیس را از حیدرآباد دکن در هندوستان تهیه کردند. از دیگر برنامه‌های ایشان در پی مسافرت‌های مذکور، آن است که برای کتابخانه‌هایی که دارای نفایس و ذخایر خطی هستند و چاپ فهرست این منابع برای مسئولین آنها فراهم نمی‌باشد، افراد نخبه و زبده‌ای را به مناطق مذکور اعزام نموده، تا فهرس را مهیا ساخته، تنظیم نموده و به چاپ بسپارند. چنانچه این برنامه را درباره برخی کتابخانه‌های کشورهای آسیای مرکزی، چون تاجیکستان و ازبکستان انجام داده‌اند.^(۱)

معرفی کتابخانه آیت‌الله مرعشی به جهان و تبادل اطلاعات با کانون‌های علمی و تحقیقاتی کشورهای اسلامی و ایجاد ارتباط با چهارصد مرکز علمی و کتابخانه‌های مشهور جهان، از تلاش‌های ارزنده ایشان در این سفرها بوده است. و اینکه مجموعه مزبور در خارج از مرزها شناخته شده‌تر از داخل کشور است، و پژوهشگران و اسلام‌شناسان خارجی و شخصیت‌های علمی و فکری از گوشه و کنار جهان به این

۱. نگهبان میراث شهاب، فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۵، ص ۶.

کتابخانه مراجعه، و از منابع سرشار و غنی خصوص مخطوطات گرانبهایش بهره می‌گیرند، مرهون اهتمام این بزرگوار است.^(۱)

دکتر مرعشی ضمن اینکه در مجامع علمی داخل و خارج کشور و چند مرکز علمی و فرهنگی بین‌المللی عضویت دارد. در این سفرها ضمن شرکت در همایش‌های گوناگون جهان اسلام و نقاط دیگر، طی سخنان، مقالات، گزارش‌ها و گفتگوهایی به دفاع از میراث فرهنگی تشیع پرداخته است. در زمستان سال ۱۳۶۹ ش وی برای بازدید از مراکز علمی و کتابخانه‌های کشورهای مسلمان‌نشین آسیای میانه و قفقاز سفری پژوهشی به این نقاط داشتند. در این سفر فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان، دکترای افتخاری آن مرکز علمی را طی مراسمی باشکوه که از سیمای باکو پخش گردید، به ایشان اعطا کرد.^(۲)

طلایه‌دار دفاع از فرهنگ تشیع

دشمنان اسلام در تاریخ پرفراز و نشیب جامعه اسلامی، با جعل و تحریف، دروغ‌پردازی، فرقه‌سازی، تفرقه، تحقیر و تطمیع، تخدیر افکار عمومی، ترویج فرهنگ بیگانه و وارداتی، و محو هویت‌های اصیل و شبهه‌آفرینی‌های گوناگون، در صدد تهاجمی سنگین علیه ارزش‌های معنوی و توحیدی بوده‌اند که علمای مسلمان با افشای توطئه‌های پشت پرده خناسان فرهنگی و تاریخی، تبیین حقایق، و آشکار ساختن مبانی استوار باورها، و اهتمام در معرفی میراث گرانسنگ دانشوران مسلمان، در صف مقدم مبارزه با این نیرنگ‌ها قرار گرفته‌اند.

یکی از خطرناک‌ترین عملیات دشمن ایجاد خلأ فرهنگی و جمع‌آوری و غارت ذخایر علمی و دینی و تهی‌سازی دست مسلمانان از داشتن کتاب‌ها، اسناد، نامه‌ها، رساله‌ها، نقشه‌ها، جلوه‌های هنری و ذوقی، آثار تمدنی و به تبع آن القای احساس فقدان اسوه‌ها و به وجود آوردن احساس نداشتن برنامه‌های رشد فرهنگی، علمی و اخلاقی، و در نهایت دست دراز کردن به سوی بیگانگان و تقلید از آنان بوده است.

۱. میراث ماندگار، زیر نظر سید محمود مرعشی نجفی، ج ۲، ص ۱۵.

۲. مقاله نگهبان میراث شهاب، مندرج در فصلنامه میراث شهاب، ش ۱۵، ص ۴.

آنان با ترفندهای گوناگون و تزویرهای مرموزانه ضمن ربودن و به یغما بردن آثار گرانسنگ اسلامی، ضمن قطع ارتباط مردم با پشتوانه‌های فرهنگی و بومی، سرمایه‌های معنوی و فکری ملت‌های مسلمان و شیعیان جهان را تصاحب می‌کنند. به طوری که امروزه در بزرگترین کتابخانه‌ها و موزه‌های اروپا و آمریکا آثار و اشیای نفیس و نادر و بی‌نظیری از ملل مسلمان نگاهداری می‌شود، میراث هنگفت و فوق‌العاده ارزشمندی که از این طریق نصیب آن سارقان بی‌رحم گردیده، قلب هر مسلمان متعهد و علاقه‌مند به فرهنگ دینی و سنت‌های اصیل را محزون می‌سازد. آیت‌الله مرعشی نجفی مرجع عالیقدر و عالم پرهیزگار و نستوهی بود که در خطّ مقدّم ستیز با این توطئه‌ها قرار گرفت، و بسیاری از منابع نادر و نفیس علوم اسلامی را از چنگال این غارتگران بیرون آورد، و با تحمّل مشقّات و زحمات وافر و خون دل خوردن‌های زیاد نسخه‌های گرانسنگ را از صاحبان آنان خرید. بدیهی است کسی که در این راستا به امداد آن عالم ربّانی شتافت، و در این نبرد نابرابر در کنارش قرار گرفت و برای خنثی کردن این تهاجم، اهتمامی قابل اهمّیت از خود بروز داد دکتر سیّد محمود مرعشی می‌باشد. او صادقانه و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی و بر اساس انگیزه‌های ذوقی و با هدف صیانت از میراث گرانقدر شیعه، در این عرصه گام نهاده و کتاب‌های خطّی فراوانی را از دستبرد عوامل استکبار و کارگزاران غربی مصون نگه داشته است.

تلاش‌های ایشان در خنثی نمودن برخی شبهات، ابهامات و تردیدها نیز ستودنی است، چنانچه برخی مخالفان چنین اشاعه داده بودند که کتب اربعه شیعه، ساخته عصر صفویّه و از جعلیات این زمان است. دکتر مرعشی کوشیده است نسخه‌هایی را بیابد که مربوط به قرون قبل از روی کار آمدن این سلسله می‌باشد. و در این راستا هم به توفیقاتی دست یافته است از جمله آنکه نسخه مخطوط مجموعه دو جلدی من لایحضره الفقیه صدوق را که مربوط به قرن ششم قمری است یافته‌اند، به دو جلد نسخه خطّی استبصار نیز دست یافته‌اند که به قرن ششم قمری تعلق دارد، مجلّدات مخطوطی از این اثر شناسایی شده که در دزفول و مشهد نگاهداری می‌شود و حداقل سه قرن با روی کار آمدن صفویان فاصله دارد،

کتاب کافی کلینی دارای نسخه خطی مربوط به قرن هفتم می باشد که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی مضبوط است، و دو نسخه همین کتاب مورخ سده هشتم قمری در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است. و این مدارک، اسناد و شواهدی که دکتر مرعشی ارائه داده آن ادعا را که می گوید این منابع را در عصر صفویه نگاشته اند باطل می کند، و شبهه افکنان در این عرصه خاموش گردیده اند.^(۱)

تلاش های ارشادی، آموزشی و اجتماعی

دکتر مرعشی به دلیل آنکه به بیت فقاہت و مرجعیّت تعلق دارد، از دوران کودکی تاکنون در متن جریان های ارشادی، آموزشی و سیاسی اجتماعی حوزه و علما بوده است. یکی از وظایف مهم ایشان رسیدگی به امور بیت حضرت آیت الله مرعشی نجفی بوده است. پاسخگویی به سؤالات مراجعین حضوری و تلفنی، جواب دادن به مکاتبات مقلدین و نیز سؤالات دینی و شرعی افراد گوناگون از سراسر کشور و حتی خارج از ایران، تهیه و تنظیم اطلاعیه ها، بیانیه ها و دیدگاه های آیت الله مرعشی در عرصه های فرهنگی و اجتماعی و مذهبی بر عهده دکتر مرعشی بود. و به همین دلیل والدش گفته بود: ایشان عصای دست من است. رسیدگی دقیق، اصولی و کاربردی به مدارس علوم دینی که به دست آیت الله مرعشی بازسازی یا تأسیس گردیده اند، اداره این مراکز حوزوی و پذیرش طلاب علوم دینی، نظارت بر مراکز درمانی و امور خیریه، رسیدگی به وضع معیشتی افراد کم بضاعتی که زیر پوشش آیت الله مرعشی قرار داشتند، نیز بر عهده ایشان بوده است.^(۲)

حسینیّه آیت الله مرعشی در جنب منزل ایشان به امر معظم له و از ثلث اموال مرحوم حاج غلامحسین اسلامبولچی، با کوشش حجّة الاسلام والمسلمین سیّد محمود مرعشی در سال ۱۳۹۹ ق ساخته شد که در اعیاد اسلامی، موالید و وفیات ائمه برای تبلیغ، وعظ و ارشاد مورد استفاده قرار می گیرد. و مدّتی هم مرحوم

۱. کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، مهر ۱۳۸۲، ص ۱۶.

۲. نگاهبان میراث شهاب، نشریه میراث شهاب، ش ۱۵، ص ۵.

آیت‌الله مرعشی خراج اصول را در آن تدریس می‌کرد، و هم اکنون روزانه آقایان مدرّسین حوزه علمیه قم از بامداد تا شامگاه آفتاب در آن به تدریس اشتغال دارند.^(۱)

همان‌گونه که در اسناد ساواک آمده است، سید محمود مرعشی تلاش‌های گسترده‌ای انجام داد تا ساختمان سینمای شهرستان قم را که در خیابان امام کنونی قرار داشت، تبدیل به مدرسه علمیه نماید که البته در این مکان مدرسه علمیه شهابیه و بخش‌های انتشاراتی کتابخانه قرار دارد.^(۲)

سید محمود در مواقعی که پدر بزرگوارشان به دلیل بیماری، مسافرت و مانند اینها نمی‌توانست برای اقامه جماعت در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه حاضر گردد، به جای ایشان به اقامه جماعت می‌پرداخت. و چون به دلیل تراکم فعالیت‌ها، تولیت کتابخانه و اداره دفتر ابوی موفق به انجام این مهم نمی‌گردید، اخوی کوچکترشان حاج آقا سید جواد برای اقامه نماز به حرم می‌رفتند.^(۳) دکتر مرعشی در خصوص یاری رسانیدن به ابوی بزرگوار خویش گفته است:

در حاشیه تحصیلات (و سایر فعالیت‌ها) امور اجرایی بیت پدر بر عهده من بود و به عنوان مسؤول دفتر و مدارس ایشان، مکاتبات زیادی داشتم، جلسات استفتاء را هم مرتب می‌کردم، بعضی نامه‌ها، اجازات و اعلامیه‌ها به خط بنده است و بدون استثناء هر اثری که از مرحوم ابوی منتشر شده به تصحیح من بوده است.^(۴)

در عرصه مبارزات سیاسی

حجّة الاسلام والمسلمین به موازات تلاش‌های فرهنگی و علمی در مسایل سیاسی توجه داشت، و در پیشبرد مبارزات امت مسلمان ایران به رهبری امام

۱. شهاب شریعت، ص ۲۴۹.

۲. آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج سوم، ص ۲۲۸، ۲۳۸ و ۲۳۹.

۳. شهاب شریعت، ص ۳۶۰.

۴. گفتگوی دکتر مرعشی با نشریه کیهان فرهنگی، ش ۲۰۴، ص ۱۱.

خمینی فعّال بود، چرا که او حلقهٔ ارتباط میان پدرش و رهبر کبیر انقلاب بود، پیام‌های سرّی و مهم که میان آن دو بزرگوار مبادله می‌گردید، توسط دکتر مرعشی انجام می‌گرفت، پخش و نشر اطلاعیه‌ها و پیام‌های آیت‌الله مرعشی و برخی از پیام‌ها و اطلاعیه‌های امام خمینی (قبل از ورود به ایران) به عهدهٔ ایشان قرار داشت.^(۱)

دکتر مرعشی که فعّالیت سیاسی خود را از سال ۱۳۴۱ ش آغاز کرد، به دلیل طرفداری از خیزش امام خمینی و سایر مراجع عظام و حوزه علمیه قم بارها مورد تعقیب رژیم استبدادی پهلوی قرار گرفت. یکی از اسناد ساواک به مخالفت سید محمود مرعشی با رفراندوم فرمایشی شاه اشاره کرده است.^(۲)

موقعی که امام خمینی به ترکیه تبعید گردید، رژیم ناگزیرگشت برای آرام نمودن اعتراضات مردمی، حُسن نیتی نسبت به مراجع نشان دهد. به همین دلیل موافقت نمود که نمایندگانی از طرف علما با امام دیدار نمایند، بعد از وصول این اجازه حجة الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی خود را آماده نمود تا به نمایندگی از سوی پدر در ترکیه به محضر امام مشرف گردد، اما رژیم که دل پرخونی از آیت‌الله مرعشی داشت و نسبت به فعّالیت‌های سیاسی فرزندش احساس خطر می‌کرد، با اعزام سید محمود به ترکیه مخالفت کرد، البته نمایندگانی از سوی آیات عظام خوانساری و شریعتمداری^(۳) به ترکیه رفتند. این آقایان سید فضل‌الله خوانساری داماد آیت‌الله سید احمد خوانساری و آیت‌الله جلیلی کرمانشاهی بودند که در اواخر آذر ۱۳۴۳ ش موفق شدند با امام ملاقات کنند. در این ملاقات بود که امام از حوادث و جریانات ایران تا حدودی مطلع گردیده، و فهمیدند که پس از تبعیدشان آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی در منزل آیت‌الله آقای مرعشی نجفی دستگیر شده و هم اکنون در زندان بسر می‌برد!^(۴)

۱. شهاب شریعت، ص ۳۵۹.

۲. آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج اول، ص ۵۳.

۳. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۵، ص ۸۰.

۴. از ایران به ایران، سید علی اکبر محتشمی پور، ج اول، ص ۸۱.

پس از انتقال تبعیدگاه امام خمینی به عراق، سید محمود بی درنگ حسب الامر پدر خویش، دور از چشم مأمورین از خرمشهر به عراق رفت، و در کربلا به امام پیوست و با ایشان عازم نجف اشرف گردید، و پیام والدش را به رهبر انقلاب رسانید. او مدت بیست و چند روز در منزل امام بسر بُرد، بعد از این اقامت با چند پیام مهم از امام برای ابوی خویش و دیگران به ایران بازگشت و طولی نکشید که دستگیر شد. ایشان فعالیت‌های سیاسی را بعد از رهایی از زندان به طور محرمانه پی گرفت، و چندین بار دیگر به عتبات عراق سفر کرد و با امام خمینی و شهید سید مصطفی خمینی که از دوستان بسیار صمیمی ایشان بود، ملاقات نمود. و پیام‌های آیت‌الله مرعشی را به امام رسانید و متقابلاً پیام‌های امام را برای والد خود به ایران آورد، در یکی از اسناد ساواک می‌خوانیم:

[سید] محمود پسر آیت‌الله مرعشی [نجفی] از عراق مراجعت و

ساعت ۱۹/۳۰ روز ۱۳۴۷/۳/۱۴ به قم وارد شده است.^(۱)

شیخ نصرالله خلخالی از روحانیان مبارز و حامی امام و متولی مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی در نجف، که در ضمن مترجم گفتگوهای امام خمینی با مقامات عراقی هم در اغلب موارد بود، برای دیدار با مراجع و علمای حوزه علمیه قم در مهر ماه سال ۱۳۴۵ وارد این شهر گردید. گزارش ساواک قم در این باره چنین است: امروز صبح ۱۳۴۵/۷/۳ ش شیخ نصرالله خلخالی صبحانه را در منزل آقای نجفی صرف نموده، و پس از یک ساعت با پسرش آقای حاج سید محمود (مرعشی) نجفی به منزل میرزا حسن تسلی رفتند، ولی بعد از یک ساعت و نیم پسر آقای نجفی تنها بیرون آمد. و موقع ظهر میرزا حسن تسلی همراه شیخ نصرالله خلخالی منزل حائری [آیت‌الله شیخ مرتضی حائری یزدی] رفتند، و [به] منزل آنهایی که از طرفداران خمینی است رفت و آمد می‌کند، شیخ نصرالله خلخالی مثل اینکه پیام از نجف [برای] علمای قم آورده است.^(۲)

۱. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج دوم، ص ۲۴۰.

۲. همان مأخذ، ج اول، ص ۵۷۸.

در اولین روز حکومت نظامی در هفدهم شهریور ۱۳۵۷ ش حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی را ساواک دستگیر و در سلول انفرادی محبوس ساخت که بعد از چندی با اقداماتی که از سوی برخی علمای تهران انجام شد، ایشان را آزاد نمودند. بعد از آنکه امام خمینی در مهر ماه سال ۱۳۵۷ عازم پاریس و سپس دهکده نوفل لوشاتو گردیدند، دکتر مرعشی به نمایندگی از ابوی همراه با آیت الله اشراقی (داماد امام) به پاریس رفت و پیام‌های پدر بزرگوار را به امام خمینی رسانید.^(۱)

دکتر مرعشی گاه در برخی نامه‌ها و مکاتبات امام مورد توجه و خطاب مستقیم ایشان قرار می‌گرفت. در نامه شوال ۱۳۸۵ ق امام خمینی آمده است:

جناب مستطاب سید الاعلام آقای حاج آقا محمود مرعشی - دامت توفیقاته - به عرض می‌رساند مرقوم شریفه که حاکی از سلامت مزاج شریف بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق عالی را از خداوند تعالی خواستار است.

در نامه ذی‌قعدة همین سال امام خمینی چنین می‌خوانیم:

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از این جانب بود موجب تشکر گردید، از جنابعالی در مظان استجابات دعوات، رجای دعای خیر دارم.^(۲)

خلق و خوی

دکتر سید محمود مرعشی علی‌رغم مقامات علمی و فکری و احاطه بر مدارک و منابع دینی، و حتی سایر علوم، و نیز تحصیلات در سطح بسیار عالی در حوزه و دانشگاه، و شهرت اجتماعی و فرهنگی در ایران و امور بین‌الملل، و ملاقات‌های گسترده با بلندپایه‌ترین شخصیت‌های فرهنگی و علمی جهان، در دشت تواضع دامن کشیده و مردم‌داری، فروتنی، سلوک انسانی و ادب او مثال‌زدنی می‌باشد. طنین رسای صدایش در مباحث گوناگون کتابشناسی، معرفتی دانشوران و میراث

فرهنگی جهان اسلام با نوعی صداقت و انصاف علمی توأم می‌باشد. منش والا و فیض سکناش از او در نظر هر کس که با او انسی اندک هم دارد، شخصیتی شایسته تکریم ترسیم می‌نماید.

در روزگاری که بسیاری به امید نام و نان، حتی ارزش‌ها و اصول اعتقادی رازیر پا می‌نهادند، او بر باورهای خود پای فشرد و در دفاع از معارف قرآنی و روایی، فداکاری‌ها و جان نثاری‌های زیادی از خودشان داد. و در واقع محبت ایشان به ساحت مقدس اهل بیت در تلاش سترگ علمی و فکری او برای صیانت از فرهنگ این خاندان، و معرفی مکارم و فضایل ستارگان درخشان آسمان امامت، و نشر مواریث علمی این بزرگواران، تجلی یافته است.

در پاسخ به سؤالات اعتقادی، فنی و فرهنگی گشاده‌رو و مهربان است. و در رهنمود دادن به اهل پژوهش و جویندگان منابع مستند و نفیس هیچ‌گونه مضایقه‌ای ندارد، آنچه می‌داند و به آن دست یافته است با فتوتی خاص در طبق اخلاص نهاده و در اختیار کاوشگران و پژوهشگران ایران و جهان اسلام و حتی محققان دیگر سرزمین‌ها قرار می‌دهد.

در اظهار نظرهای خیلی احتیاط می‌کند و تا جوانب و ابعاد گوناگون مسأله‌ای برایش به طور منطقی، مستند و خردمندانه روشن نگردد، دیدگاه خود را در آن موضوع مورد نظر اعلام نمی‌کند. نقدها و ارزیابی‌های انتقادی او نه تنها دشمن‌تراش نبوده، بلکه بر علاقه‌مندانش افزوده است؛ زیرا بانهایت دلسوزی و از سر صدق و اخلاق تذکرات اصلاحی خود را به افراد و مراکز و مجامع گوناگون ارائه داده است. در قلم و نوشتار گریز و پرهیز زیادی دارد، و همین عامل موجب گردیده که تألیفات او محدود به چند اثر آن هم در فواصل طولانی گردد. در حالی که بسیاری از مؤلفان و محققان به برکت حمایت‌های ارشادی و اصلاحی و سخاوت علمی او، به منابعی ارزشمند دست یافته و تألیفات گرانبهایی به جامعه عرضه نموده‌اند. زحمت همکاران، زبردستان و افرادی را که در ارتباط با او فعالیت علمی و فرهنگی دارند، هیچ‌گاه نه فراموش کرده و نه ناچیز شمرده است. و در واقع عدالت علمی و فکری را همواره در نظر داشته است.

در مصاحبه‌ها، گفتگوهای علمی و همایش و نشست‌ها تمام نیروی خود را متمرکز می‌نماید، تا به معرفی میراث فرهنگی مسلمانان، کتابخانه آیت‌الله مرعشی و نیز جلوه‌های علمی، فکری و معنوی ابوی بزرگوارش بپردازد. و کمتر از توانایی‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌های ارزشمند خود سخن گفته است. اهتمام او در غنای منابع خطی و نفیس کتابخانه توأم با استقامت، ایثار و پی‌گیری شگفتی می‌باشد که از انگیزه‌ای عالی، ذوقی جالب و نیت خالصانه‌اش حکایت دارد. در تتبع و یافتن قرآینی که حقایق تاریخی، هنری و علمی را روشن کند، حوصله و ظرفیت فوق‌العاده‌ای دارد و از موانع، دشواری‌ها، ملامت‌ها و فشارها و برخی ناگواری‌هایی که تنگ‌نظران تُنک مایه به وجود می‌آورند، ملالی به دل راه نمی‌دهد. از مواردی که انسانیت علمی و سعه روحی و اخلاق انسانی بروز می‌کند، در مقام بحث، گفتگو و مناظره است، مقامی که آدمی با آراء دیگران روبرو می‌شود و خود نیز نظرهای خویش را اعلام می‌دارد. در این حالت رعایت اصول انسانی و اخلاقی اهمیت دارد. و در این مقام است که شخصیت درونی، ظرفیت روانی و فکری افراد نمایانده می‌شود، دکتر مرعشی که در محافل و مجامع گوناگون جهان اسلام و کشورهای دیگر با اشخاصی با‌گرایش‌های گوناگون مذهبی، قومی و منطقه‌ای روبرو می‌گردد، می‌کوشد به هنگام مناظره‌ها و تبادل افکار جدال احسن را رعایت کند و از ژاژ خایی پرهیز نماید. و از ردّ و ایرادهای غیر منطقی و بدون نتیجه احتیاط می‌نماید، صرفاً به این منظور مسأله‌ای را مطرح می‌کند که مطلبی را بفهمد، نکته‌ای را به دست آورد یا آنکه اطلاعات سودمندی را به طرف مقابل یا شنوندگان منتقل کند، هرگز در بحث‌ها برتری طلبی نمی‌نماید. و به هنگام پر حرارت گردیدن گفتگوها، نکته‌ای را که عواطف و شؤونات افراد را خدشه‌دار سازد بر زبان نمی‌آورد.

خانواده، فرزندان و بستگان

حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی در سال ۱۳۴۰ ش و در سن بیست سالگی از میان خانواده‌ای سرشناس قم همسری برای خود برگزید، حاصل

این ازدواج سه دختر است که همگی دارای تحصیلات عالی می‌باشند. برادران دکتر مرعشی عبارتند از آقا سید محمد کاظم مرعشی نجفی متولد ۱۳۲۲ ش که دارای تحصیلات دانشگاهی بوده، و در وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران اشتغال داشته، و اکنون بازنشسته است. حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد جواد مرعشی نجفی ملقب به نجم‌الدین، متولد ۱۳۲۶ ش که تحصیلات حوزوی دارد و به تألیف و تحقیق و تدریس مشغول است. حجة الاسلام والمسلمین حاج سید امیر حسین مرعشی نجفی، متولد سال ۱۳۳۰ ش در قم، او نیز در درس اساتید حوزه شرکت کرده، و از مرحوم والد و برخی مراجع و مدرّسین برجسته اجازاتی در امور حسیّه و روایی دریافت نموده، و در امور بیت والد با برادران خویش همکاری داشته است.

خواهران دکتر مرعشی چهار نفرند که همگی ازدواج کرده‌اند: همسر مرحوم حاج سید خلیل میری تهرانی از بازرگانان تهران، همسر مرحوم حاج سید عباس موسوی حرمی از خاندان‌های سرشناس قم، همسر حاج علی آقا فاضل لنکرانی (برادر بزرگ آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله) و همسر آیت‌الله شیخ عباسعلی عمید زنجانی استاد حوزه و دانشگاه و محقق برجسته.^(۱)

سفارش‌های ارزشمند

خاتمه مقاله را به فرازهایی از وصایا و سفارش‌های آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، خطاب به فرزند ارشدش حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی اختصاص می‌دهم:

سفارش می‌کنم او را که دامن همت به کمر زده و با اراده تمام و آهنین آماده ترویج دین حنیف و دفاع از مذهب حقّه اثنی عشری باشد.

سفارش می‌کنم او را بر صله رحم؛ زیرا آن از نیرومندترین اسباب توفیق و برکت در عمر و زیادی روزی است.

سفارش می‌کنم او را به تصنیف و تألیف و نشر کتاب‌ها و آثار دانشمندان شیعه

امامیه بویژه کتاب‌های گذشتگان از آنان.

سفارش می‌کنم او را به تدوین و تنظیم کتاب خودم، مشجرات آل رسول الله الاکرم و نیز حواشی و تعلیقاتی که بر کتاب عمده الطالب دارم و تمامی آثار حقیر و آنچه از قلم من بر صفحات جاری شده [است].

سفارش می‌کنم او را به تکمیل آنچه از قلم من صادر شده، از تألیف و تصنیف و نیز نشر آنها.

سفارش می‌کنم [او را] در کوشش و پایداری در به پا داشتن شعائر الهی در حسینیه‌ای که در قم مقدّس بنیانگذاری کرده‌ام.

سفارش می‌کنم [او را] به کوشش اکید در امر کتابخانه عمومی که در این شهر مقدّس تأسیس کرده‌ام برای حوزه مقدّسه قم و عموم مردم...»^(۱)

۱. فرازهایی از وصیت‌نامه الهی اخلاقی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).